

گفت‌وگو با دکتر سیدمرتضی موسویان، رئیس هیئت مدیره انجمن سواد رسانه‌ای ایران

## سواد رسانه‌ای؛ جامعه شبکه‌ای و تربیت و یادگیری

علی اصغر محمدی ● عکاس: مرتضی سلطانی

سواد رسانه‌ای یعنی توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و ایجاد رسانه در شکل‌های گوناگون که در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای پیچیده شده است. با وجود چنین حجم بالایی از اطلاعات در حال حاضر، به لطف گوشی‌های تلفن هوشمند و موتورهای جست‌وجو، دانش‌آموزان باید در پالایه کردن آنچه می‌بینند و می‌شنوند، کارآمدتر شوند. به عبارت دیگر، اکنون بیش از هر زمان دیگری آموزش سواد رسانه‌ای اهمیت دارد. همه موافق هستند که سواد رسانه‌ای جزو مهمی از یادگیری است و به عنوان یک سواد بین درسی که عمیقاً در هر کلاس درس وجود دارد، باید به آموزش آن تأکید شود و غفلت از آن برای هر کشوری چالش‌ها و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. خوب از کجا شروع کنیم؟ سواد رسانه‌ای به عنوان بخشی از برنامه درسی ملی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده و در دستور کار قرار گرفته است. کار سواد رسانه از دوره ابتدایی با درس تفکر و پژوهش آغاز شده و اکنون این درس به‌طور خاص در پایه دهم خود را نشان داده است، زیرا معتقدیم دانش‌آموزان باید به سواد رسانه‌ای مجهز باشند. با وجود تأکید مسئولان آموزش و پرورش به اهمیت سواد رسانه‌ای و لزوم توسعه آموزش این درس، عوامل متعددی موجب شده‌اند آموزش این مباحث در نظام تعلیم و تربیت تا این اندازه غریب باشد. درباره سواد رسانه‌ای و تأثیر آن در آموزش و پرورش با دکتر سیدمرتضی موسویان، رئیس هیئت مدیره انجمن سواد رسانه‌ای ایران، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

یونسکو مطرح کنیم که بعد از تعریف‌های متعدد، معتقد است: در زمان فعلی، سوادی که برای فرد ارزش افزوده ایجاد کند، یعنی سواد رسانه. وقتی یک سطح بالاتر می‌آییم، به جای سواد رسانه، سواد فضای مجازی را مطرح می‌کنیم. زیرا ما جامعه‌های متفاوتی را از جمله جامعه صنعتی، پشت سر گذاشته‌ایم.

پس از جامعه اطلاعاتی، با رشدی که بشر داشت، وارد جامعه دانشی شدیم. سپس جامعه شبکه‌ای را تجربه کردیم. الان هم در جامعه‌های شبکه‌ای زندگی می‌کنیم که ویژگی‌های خاصی دارد و زیست خاص خودش را هم طلب می‌کند. مثلاً در جامعه شبکه‌ای تمام گره‌ها و نته‌ها سطح ارزش یکسان دارند. حالا در نظر بگیرید این گره‌ها افزون بر انسان‌ها می‌توانند حیوانات را هم دربر بگیرند؛ با توجه به وسایلی که به آن‌ها وصل می‌کنند. می‌توانند گیاهان و اشیاء را هم شامل شوند. پس این جامعه دیگر جامعه‌ای با هشت میلیارد نفر نیست، بلکه جمعیت بسیاری را دربرمی‌گیرد و هر روز هم به‌صورت بهمینی اضافه می‌شود.

■ برای ورود به بحث، سواد رسانه‌ای یعنی چه و چرا در کشور ما تعریف جامعی از آن وجود ندارد؟

تعریفی که از سواد رسانه‌ای می‌کنند این است که کسی که سواد رسانه‌ای دارد، باید بتواند دروغ یا راست بودن پیام را تشخیص دهد، منبع‌یابی کند و اهداف فرستنده پیام را درک کند و بداند چه کسی با چه هدفی پیام را فرستاده است. اگر فردی واقعاً بتواند به این نقطه برسد، از نظر سواد رسانه‌ای به حد بلوغ رسیده است. اما یونسکو یک بحث کلی دارد که انواع سواد را برمی‌شمارد و بعد می‌گوید، کسی که بتواند با داشتن مجموعه‌ای از سوادها، در زندگی‌اش نفعی ایجاد کند و ارزش افزوده‌ای برای خودش داشته باشد، دارای سواد است. یعنی از نظر یونسکو صرفاً سواد نظری معتبر نیست، بلکه سواد کاربردی مدنظر است. وقتی صحبت به اینجا می‌رسد و سواد کاربردی مطرح می‌شود، ما با توجه به تغییرات پی‌درپی در عرصه‌های گوناگون، مثلاً بیشتر فناوری و متعاقب فناوری در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، می‌توانیم ضرورت روزآمدی را اینجا با این تعریف

### ■ جامعه شبکه‌ای چه ویژگی‌هایی دارد؟

ویژگی‌های خاص خودش را دارد. یکی اینکه هر یک از اعضای شبکه یک ارزش واحد دارد و بحث مربوط به سلسله‌مراتب شکسته شده و پایینی و بالایی وجود ندارد. زندگی در این زیست‌بوم به دسترسی در شبکه نیاز دارد. وقتی دسترسی در شبکه را این‌گونه تعریف می‌کنیم که من به هر چیزی در هر جایی و زمانی بتوانم دسترسی داشته باشم، خوب این دسترسی تعریف را در خیلی از موارد عوض می‌کند. حتی تعریف در بحث حوزه حریم خصوصی را هم تغییر می‌دهد.

### ■ آیا فضای جدید موجب شفافیت می‌شود؟

فضای جدید موضوع شفافیت را دنبال می‌کند. اینکه افراد بخواهند با نگاه سنتی این شفافیت را دنبال کنند، مخالف ویژگی‌های دوره جدید است، درحالی‌که سونامی تغییر، آن هم از نوع تغییر تمدن، در راه است. اینکه ما در مجلس شورای اسلامی کارگروهی را ذیل گروه فرهنگی داشته باشیم یا گروه فضای مجازی یا زیرنهاد اداره‌ای باشد، دردی از ما دوا نمی‌کند. پس افراد در هر کجا و هر جایگاهی باید توجه کنند این سونامی آن‌ها را نیز در برمی‌گیرد و باید دید چگونه می‌توان زیرساخت‌ها را برای بهره‌گیری از این فضا ایجاد کرد.

### ■ برخی این فضا را فرصت و برخی

هم آن را تهدید می‌دانند و هر گروه هم دلایل خودشان را دارند. نظر جناب عالی در این باره چیست؟

قبل از اینکه به بحث فرصت یا تهدید بودن بپردازم، باید بگویم ما با امر ناگزیری روبه‌رو هستیم؛ چه برای ما فرصت و چه تهدید ایجاد کند، لاجرم باید در این زیست‌بوم زندگی کنیم. اختیاری نداریم و برگشت به عقبی وجود ندارد. بنابراین، کشوری که زیرساخت‌های لازم را داشته باشد و در جامعه شبکه‌ای از این زیرساخت‌ها بهره‌بردار، دست بالا را خواهد داشت و کشوری که دنبال‌کننده صرف باشد، واکنش‌گرا خواهد بود.

کنش‌گرا نیست. کنش ندارد و تنها واکنش دارد. اگر واکنش این کشور به‌موقع باشد، قابل‌تحمل است، اما اگر واکنش تأخیری داشته باشد، باید تهدید را تجربه کند. خوب ما بی‌حساب و کتاب و به‌اجبار داخل جامعه شبکه‌ای شدیم؛ در دوران کرونا، به‌خصوص در آموزش و پرورش، قبل از کرونا، صحبت از فضای آموزش غیرحضوری یک طنز تلخ محسوب می‌شد، ولی کرونا فرصتی ایجاد کرد که زیرساخت داشته‌مان به‌نام شاد را توسعه بدهیم، ولی به جای اینکه برای این شبکه مقررات تعریف کنیم و کیفیت را بالا ببریم، گفتیم حالا قدری ساده‌تر بگیریم و چنان و چنین باشد؛ در صورتی که مؤسسه‌ها می‌توانستند با تعریف مقررات، مانند مؤسسه‌های آموزشی آمریکایی، سال‌ها قبل از کرونا، بدون فدای کمیت کردن

کیفیت، گواهی‌نامه دریافت کنند.

نگاه تهدیدآمیز بودن فضای مجازی را باید به فرصت بودن آن تغییر دهیم و با برنامه‌ریزی دقیق، زمان حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی را سامان‌دهی کنیم. از همان روزها، اهمیت رشد سواد رسانه‌ای و درک بهتر فضای مجازی در میان دانش‌آموزان، بیش از پیش مشخص شد و همگان بر این موضوع تأکید کردند که کودکان و نوجوانان ایرانی باید بتوانند در فضای مجازی نه تنها تحت تأثیر محتوای مخرب غیرایرانی باشند، بلکه حتی بتوانند محتوای خوب، با نشاط و ارزشمندی برای خود تولید کنند. یک نکته اساسی این است که ما در نقطه تاریخی بسیار حساس و مهمی قرار داریم. وقتی جامعه کشاورزی در تمدن بشر به جامعه صنعتی گسترش یافت، آیا علم مدیریت و نظریه‌های روان‌شناسان تغییر نکرد؟ یقیناً تغییر کرد. نگاه به جامعه و جامعه‌شناسی هم تغییر کرد. وقتی ما وارد جامعه اطلاعاتی شدیم هم اندیشمندان

نظریه‌ها را به‌روز کردند، چون جامعه تغییر کرده بود و دیگر جامعه سلسله‌مراتبی و صنعتی نبود. نظریه‌پردازان برای مدیریت ساختارهای مسطح افقی را مطرح کردند و گفتند، جامعه اطلاعاتی به نگاه جدید و نظریه‌های جدید نیاز دارد. اصولاً وقتی شما از شبکه‌ای اجتماعی استفاده می‌کنید، بدون اینکه فکر کنید مدل کسب و کارش چگونه است و به‌ظاهر پولی نمی‌پردازید، خوب او اطلاعات شما، از جمله سلیقه، نوع نگاه به محیط کار و نوع نگاه شما بعد از تجزیه و تحلیل، را به مؤسسه‌های تولیدی می‌فروشد و درآمد کسب می‌کند. کسب و کار ۱۰ شرکت اول دنیا فروش و تجزیه و تحلیل اطلاعات است و آن‌ها بالاترین درآمد را داشته‌اند. حالا چگونه باید زندگی کنیم، درحالی‌که همه اطلاعاتمان از جمله سلیقه و ذائقه، میزان تحصیلات و پیش‌بینی آینده رفتاری روی شبکه است. این موضوع می‌طلبد که نوع زندگی جدیدی را تعریف کنیم، چون همه آنچه ما در پنهان داریم، آشکار می‌شود. حالا باید چه کار کنیم.

### ■ در جامعه شبکه‌ای چه نکته‌ای جلب توجه می‌کند؟

جامعه شبکه‌ای اصولاً روی پنج فناوری بزرگ قرار دارد که به آن فراروند می‌گویند که فرارونده‌های زیرمجموعه را دربرمی‌گیرد. این پنج فراروند جامعه شبکه‌ای را شکل می‌دهند. نخستین فراروند بحث شبکه است؛ شبکه‌ای شدن همه چیز. وقتی از شبکه صحبت می‌کنیم، هر شرکت‌کننده باید نشانی منحصر به فردی داشته باشد. این موضوع ۱۵ سال است فراهم شده است؛ یعنی در گوشی‌ها و تمام وسایلی که به شبکه متصل می‌شوند، نوعی نشانی‌دادن داریم که به آن آی‌پی نسخه شش گفته می‌شود.

سال ۲۰۲۲ آمریکا در شبکه‌ای اجتماعی اعلام کرد که

نگاه تهدیدآمیز بودن فضای مجازی را باید به فرصت بودن آن تغییر دهیم و با برنامه‌ریزی دقیق، زمان حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی را سامان‌دهی کنیم

برای دانش‌آموزان روخوانی می‌شود.

### ■ برای تقویت سواد رسانه‌ای بین خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

بسیاری از معلمان هنوز به دانش‌آموزان تکلیف سنتی می‌دهند. این در حالی است که اگر تکلیف و نوع تدریس به‌گونه‌ای باشد که به جای جست‌وجوی اینترنتی، دانش‌آموزان را به سمت مطالعه هدایت کند، قطعاً می‌تواند آن‌ها را به سمت مطالعه پیش ببرد. کودکان و نوجوانان در فضای مجازی سرگردانند و اخبار ضد و نقیضی می‌شنوند یا می‌بینند. دیدن این مطالب به آن‌ها اجازه فکر کردن نمی‌دهد، زیرا صرفاً مباحث دیکته‌شده را می‌بینند. آن چیزی که قبل از کتاب‌خوانی اهمیت دارد، این است که سواد رسانه‌ای در خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان تقویت شود، زیرا ما نمی‌توانیم آنان را از فضای مجازی دور نگه داریم.

دانش‌آموز وقتی می‌بیند پدر و مادرش مدام درگیر فضای مجازی هستند، از آن‌ها الگوبرداری می‌کند و به دنبال والدین خود به دنبال گوشی و رایانک می‌رود، این وضعیت گریبان معلمان ما را هم گرفته است. معلمان درگیر شرايطی هستند که دوست ندارند به‌روز شوند و در برابر به‌روزشدن مقاومت می‌کنند. این مقاومت در نظر دانش‌آموزان دیده می‌شود. مطالعه نکردن آن‌ها نیز برای دانش‌آموزان مشهود است. زمانی که خانواده، معلم و جامعه در نگاه به مقولۀ کتاب‌خوانی هیچ حرکتی انجام نمی‌دهند، نمی‌توان از نوجوانان انتظار داشت تغییر مثبتی در جهت کتاب‌خوانی داشته باشند!

### ■ برای جلوگیری از تهدیدهای

خارجی چه راه‌حلی پیشنهاد می‌کنید؟

با توجه به وابستگی ما به فضای جدید و ناگزیر بودن زندگی در این فضا، باید زیرساخت‌های زندگی جدید را خودمان ایجاد کنیم. کشورها در حالتی هستند که شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان زیست‌بوم برای آن‌ها شناخته شده‌اند، اما به دنبال این هستند که زیست‌بوم خود را بسازند. در ایران نیز همین‌طور است. اگر بخواهیم از زیست‌بوم‌هایی که دیگران ساخته‌اند استفاده کنیم، باید از قوانینی که آن‌ها وضع می‌کنند، تبعیت کنیم. پس بهتر است هرچه سریع‌تر به فکر زیست‌بوم خودساخته باشیم. با توجه به تهدیدهای فضای جدید، نباید به فکر حذف این فضا باشیم، زیرا این فضای جدید، فضای زندگی ماست و ما راهی برای برگشت به عقب نداریم. پس باید مدیریت زیست‌بوم جدید را جدی بگیریم. این زیست‌بوم‌ها با توجه به مشکلات خاص خودشان، باز هم قابلیت مدیریت با قوانین گذشته را ندارند.

قادر است به ناحیه ادراکی مغز وارد شود و اطلاعات آن را دستکاری کند. اینکه چگونه، به کلی راز است و هنوز مشخص نیست، ولی شواهد آن به تدریج در حال روشن شدن هستند. اینکه می‌شنویم توانسته‌اند امواج مغزی را به متن تبدیل کنند، از نشانه‌های این کار است. می‌خواهم بگویم، زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد، به اینجا رسیده‌اند. البته باورکردنی نیست که خیلی سرعت داشته است؛ نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است کسی که بتواند به ناحیه ادراکی مغز وارد شود، می‌تواند از من به هر شکلی استفاده کند؛ در صورتی که من فکر می‌کنم خودم تصمیم می‌گیرم، در حالی که این‌طور نیست. باید خودمان را برای چنین مرحله‌ای آماده کنیم.

این در حالی است که جامعه شبکه‌های امروزی آن است که ما در آن ثبت‌نام می‌کنیم و از طریق آن به‌صورت برخط خدمات متنوعی دریافت می‌کنیم؛ برای مثال گذرنامه

می‌گیریم، و بلیت و هتل ذخیره (رزرو) می‌کنیم. من اینجا این پرسش را مطرح می‌کنم که آیا شبکه شاد باید تقویت می‌شد و این ارتباط را با خانواده‌ها برقرار می‌کرد و سامانه‌های متعدد را برای ارتقای سطح تحصیلی به خدمت می‌گرفت، یا دوباره همان بحث‌های قبلی و به امان خدا رهاشدن؟! وقتی هزینه کردیم، متوجه شدیم هزینه شبکه ملی برای ما چه دستاوردهایی دارد، در حالی که همه دنیا دچار مشکل شدند، چون به‌صورت برخط زندگی می‌کردند. شبکه‌های ملی ایران، چین و روسیه، تنها کشورهایی که شبکه داخلی داشتند، امورشان مختل نشد، چون به ساختاری مثل میکروسافت ۳۶۰ درجه متکی نبودند.

### ■ وضعیت تدریس سواد رسانه‌ای را در

مدرسه‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کلاس‌های درس سواد رسانه‌ای را باید معلمان آگاه و آشنا به این حوزه تدریس کنند. موضوعی که در سخنان مسئولان نظام آموزشی و صحبت‌های دانش‌آموزان مشخص است، کمبود معلم آشنا به مبحث سواد رسانه‌ای است. مشخص است، در فرایند رشد آگاهی دانش‌آموزان در عرصه سواد رسانه‌ای، چاپ کتاب سواد رسانه‌ای کافی نیست؛ به‌ویژه در بسیاری از مدرسه‌ها، معلمان غیرمرتبط یا معاون مدرسه عهده‌دار تدریس درس سواد رسانه‌ای می‌شوند.

با وجود اینکه از سال ۱۳۹۵، به استناد مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، «آموزش سواد رسانه‌ای» به‌طور رسمی وارد نظام آموزشی کشور شده، اما در تدریس درس سواد رسانه‌ای تلاش چندانی برای تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد نشده است. امروزه شاهدیم دانش‌آموزان بسیاری در مدرسه‌ها در زنگ‌های درس سواد رسانه‌ای، معلم ندارند یا از معلمان غیرمرتبط و معاون مدرسه استفاده می‌شود تا کلاس سواد رسانه‌ای بدون معلم نباشد و کتاب درس سواد رسانه‌ای صرفاً

به استناد مصوبه  
شورای عالی  
آموزش و پرورش،  
«آموزش سواد  
رسانه‌ای» به‌طور  
رسمی وارد نظام  
آموزشی کشور شده،  
اما در تدریس درس  
سواد رسانه‌ای  
تلاش چندانی برای  
تربیت نیروی انسانی  
متخصص و متعهد  
نشده است